

جایگاه مجمع تشخیص مصلحت نظام در سیستم حقوقی ایران

احمدرضا توحیدی^۱

مقدمه

همان‌گونه که می‌دانیم نظام تفکیک قوا در ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده است و مجلس شورای اسلامی به عنوان قوه مقننه دربرگیرنده نمایندگان منتخب مردم^۲ و نمایانگر جلوه نام حاکمیت ملی است که بر اساس اصل هفتاد و یکم قانون اساسی صلاحیت و اختیار وضع قانون در مورد تمام مسائل مملکتی را دارا می‌باشد. البته باید گفت گرچه وضع قواعد و قوانین انحصاراً در اختیار مجلس است، اما قانون‌گذار اساسی جهت کنترل اقتدار و صلاحیت مجلس شورای اسلامی، طی اصل هفتاد و دوم بیان می‌نماید که «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد...» لذا به استناد اصول چهارم، هفتاد و دوم^۳ و نود و چهارم^۴ قانون اساسی نهاد «شورای نگهبان» به عنوان مرجع تشخیص دهنده انطباق، تحقق و تضمین حاکمیت معیارهای شرع و قانون اساسی معرفی شده است، از این‌رو با توجه به اصول فوق باید استدلال کرد که رابطه میان شورای نگهبان با مجلس شورای اسلامی به جهت انطباق مصوبه مجلس شورای اسلامی، با شرع و قانون اساسی طولی

۱. عضو هیئت علمی و دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل.
۲. اصل ۶۲ قانون اساسی.
۳. اصل ۷۲ بیان می‌دارد: (تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده است بر عهده شورای نگهبان است).
۴. اصل ۹۴ بیان می‌دارد که: (کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را... از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدید نظر به مجلس بازگرداند...).

می‌باشد. اما در گذر زمان و جریان فعالیت و عملکرد این دو نهاد عملاً به دلیل دفاع از «مصالح عمومی» از سوی مجلس و «موازن شرع و قانون اساسی» از سوی شورای نگهبان، این دو نهاد رودرروی هم قرار گرفتند که در نهایت در جهت حل و فصل اختلافات، طی فرمان امام خمینی در سال ۱۳۶۷ «مجمع تشخیص مصلحت نظام» تأسیس شد و در بازنگری قانون اساسی ۱۳۶۸ با درج این نهاد در اصل ۱۱۲ قانون اساسی^۱ در حال حاضر مجمع به عنوان یکی از نهادهای رسمی - قانونی نظام حقوقی ایران برابر مفاد اصول ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۷۷ عمل می‌نماید که در واقع می‌توان گفت انجام وظایف ذاتی مجمع، جزء موارد فوق العاده می‌باشد و حسب ضرورت موضوعیت پیدا می‌کند، لذا به جهت آشنایی بیشتر دانش پژوهان با جایگاه و ساختار مجمع تشخیص مصلحت نظام در نظام حقوقی ایران ما در این مقال سعی خواهیم نمود تا ساختار و عملکرد آن را از منظر حقوقی مورد بررسی و تأمل قرار دهیم.

کلید واژه

قانون اساسی. مجمع تشخیص مصلحت نظام. صلاحیت‌ها و اختیارات، شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی

زمینه ایجاد مجمع

«مجمع تشخیص مصلحت نظام» یکی از نهادهای اساسی و مهم در ساختار و سازمان سیاسی کشور می‌باشد که جایگاه رسمی آن در نظام حقوقی کشور در اصل ۱۱۲ قانون اساسی تثبیت شده است.

در مورد ضرورت تأسیس و ایجاد مجمع تشخیص مصلحت نظام در ساختار حقوقی ایران باید گفت با وجود پیش‌بینی نهادها و سازمان‌های گوناگون زمام‌داری، بر اساس نظام تفکیک قوا با نظارت رهبری و تعیین حقوق و وظایف هر یک از ارگان‌ها و سازمان‌ها در قانون اساسی ۱۳۵۸، تجربه چند ساله بعد از انقلاب نشان داد که با توجه به تداخل حوزه صلاحیت‌ها و اختیارات ارکان نظام به لحاظ تأثیر تصمیمات، اقدامات و وضع قواعد انجام وظیفه و اتخاذ تصمیم در برخی از امور به راحتی نمی‌تواند قابل اعمال باشد، لذا با توجه به

۱. اصل ۱۱۲ قبل از تجدید نظر به این ترتیب بود: «رهبر یا اعضای شورای رهبری در برابر قوانین با سایر افراد کشور مادی هستند.»

آنکه در این مدت، بن‌بست‌ها و تنش‌هایی در کشور به وجود آمد^۱ که تکرار و اهمیت حل و فصل آن موارد، منجر به صدور فرمان مورخ ۱۳۶۶/۱۱/۱۷ امام خمینی (ره) و تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام گردید.^۲ که در آن بیان داشتند:

«... برای غایت احتیاط، در صورتی که بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان شرعاً و قانوناً توافق حاصل نشد، مجمعی... برای تشخیص مصلحت نظام تشکیل گردد؛ و در صورت لزوم از کارشناسان دیگری هم دعوت به عمل آید و پس از مشورت‌های لازم، رأی اکثریت اعضای حاضر این مجمع مورد عمل قرار گیرد... حضرات آقایان توجه داشته باشند که مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد. امروز جهان اسلام، نظام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی تمام نمای حل معضلات خویش می‌دانند. مصلحت نظام و مردم از امور مهمه‌ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمان‌های دور و نزدیک زیر سؤال برد، و اسلام آمریکایی مستکبرین و متکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی داخل و خارج آنان پیروز گرداند».^۳

مجمع تشخیص مصلحت نظام که در اواخر بهمن ۱۳۶۶ تشکیل شد در ابتدای امر، هم در محدوده موارد اختلاف مجلس و شورای نگهبان به تشخیص مصلحت اقدام می‌کرد و آنچه را که مصلحت اهم تشخیص میداد خواه موافق نظر مجلس و یا شورای نگهبان باشد و یا نظر ثالث، اعلام می‌کرد و به لحاظ اختیار قانون‌گذاری که امام خمینی به آن تفویض نموده

۱. در مورد حل معضلات نظام و رفع ضرورت‌ها و نیازهای جامعه اسلامی فرمان ۱۳۶۰/۷/۱۹ امام خمینی (ره) در مورد رفع اختلاف مجلس و شورای نگهبان در مورد قانون اراضی شهری ۱۳۶۰/۵/۲۹ را می‌توان به عنوان پیش‌زمینه ذهنی و تاریخی تأسیس مجمع، مورد توجه قرارداد که امام در آن اعلام کرد: «آنچه در حفظ جمهوری اسلامی دخالت دارد... پس از تشخیص موضوع بوسیله «اکثریت» وکلای مجلس شورای اسلامی با تصریح بر صفت بودن آن... مجازند در تصویب و اجرای آن» (هم‌چنین جهت مطالعه بیشتر ر.ک: محمد صادق شریعتی، بردسی فقهی و حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام، ص ۱۳۰ - ۱۲۴).

۲. در مورد فرمان حضرت امام این‌گونه می‌توان استدلال کرد: این فرمان جزء احکام حکومتی و اختیارات رهبر (دینی فقیه) بوده و امام خمینی به عنوان رهبر جامعه اسلامی بر اساس مصالح عمومی و حفظ امنیت و سلامت جامعه و تنظیم امور حکومت، صادر کرده‌اند.

۳. قسمتی از پاسخ مورخ ۱۳۶۶/۱۱/۱۷ حضرت امام خمینی به نام سران نظام و فرمان تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام جهت مشاهده متن کامل فرمان مذکور ر.ک: مجموعه قوانین و مقررات مربوطه به مجمع تشخیص مصلحت نظام (انتشارات اداره کل قوانین و مقررات کشور، ۱۳۶۹) ص ۳۰۱. هم‌چنین ر.ک: صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۷۶.

بودند بدو^۱ مبادرت به تصویب قوانین می‌کرد،^۱ اما در ادامه حدود یک سال بعد، امام خمینی طی نامه‌ای در مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۸ تذکراتی را در مورد شیوه عمل اعضا و حدود اختیارات مجمع صادر کردند^۲ و حق قانون‌گذاری بدوی را از آن سلب نمودند. در نهایت در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ جایگاه این نهاد سیاسی قوت قانونی یافت. اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی در این مورد بیان می‌دارد: «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود...».

سازمان تشکیلات مجمع

۱. ترکیب اعضا

در خصوص ترکیب اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی اعلام داشته است که: «اعضای ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید». بنابراین، با توجه به قسمت اخیر اصل ۱۱۲ باید گفت اعضای مجمع در زمان‌های مختلف از لحاظ تعداد و کارایی ممکن است متغیر و متفاوت باشد، اما در مورد این نکته با

۱. از جمله تصویب: قانون مبارزه با مواد مخدر، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری و قانون تعزیرات حکومتی.

۲. در قسمتی از این نامه آمده است: «... لازم دیدم نکاتی را متذکر شوم:

الف) آنچه تاکنون در مجمع تصویب شده است مادام المصلحه، به قوت خود باقی است.

ب) آنچه در دست تصویب است اختیار آن با خود مجمع است که در صورت صلاحدید تصویب می‌نمایند... (هم‌چنین) تذکری پدرا نه به اعضای عزیز شورای نگهبان می‌دهم که خودشان قبل از این گیرها، مصلحت نظام را در نظر بگیرند، چرا که یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پر آشوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری‌ها است. حکومت فلسفه عملی برخوردار با شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی را تعیین می‌کند و این بحث‌های طلبگی مدارس، که در چهارچوب تئوریهاست، نه تنها قابل حل نیست، که ما را به بن بست‌هایی می‌کشاند که منجر به نقض ظاهری قانون اساسی می‌گردد. شما در عین اینکه باید تمام توان خودتان را بگذارید که خلاف شرعی صورت نگیرد و خدا آن روز را بیاورد باید تمام سعی خودتان را بنمایید که خدای ناکرده اسلام در بیچ و خم‌های اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی، منتهم به عدم قدرت اداره جهان نگردد.» (دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، تشخیص مصلحت، ۱۳۸۱، تهران، ص ۲۸ و ۲۹) هم‌چنین راک: صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۶۱.

توجه به فرامین صادره امام خمینی و مقام معظم رهبری،^۱ ملاکی در مورد افراد تشکیل دهنده اعضای ثابت و متغیر مجمع، به ترتیب ذیل مشخص گردیده است:

الف) شخصیت‌های حقوقی^۲

۱. رؤسای قوای سه‌گانه.
۲. فقهای شورای نگهبان.
۳. وزیر مربوط یا رئیس دستگاهی که موضوع مورد بحث در مجمع، به آن دستگاه مربوط است (عضو متغیر).
۴. رئیس کمیسیون مناسب با موضوع مورد بحث از مجلس شورای اسلامی (عضو متغیر).

ب) شخصیت‌های حقیقی

سی نفر از متخصصین مسائل فقهی و سیاسی که برای پنج سال انتخاب می‌گردند.

۲. آیین کار و شیوه رأی‌گیری

از آنجا که مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص اجرای وظایف و اختیارات خود نیاز مقررات و آیین‌نامه داخلی دارد، ذیل اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی چنین مقرر شده است:

«مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضا تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید».

در این باره آیین‌نامه داخلی مجمع تشخیص مصلحت نظام که در تاریخ ۱۳۷۶/۹/۵ به تأیید مقام رهبری رسید مقرراتی را در خصوص کار مجمع بیان می‌دارد. از جمله اینکه مجمع برای انجام وظایف خود علاوه بر شورای مجمع که به شرح مواد ۱۹ و ۲۰ تشکیل

۱. فرامین اولیه امام خمینی ۱۳۶۶/۱۱/۱۷ و فرامین ۱۳۷۵/۱۲/۱۱ و ۱۳۷۵/۱۲/۲۷ مقام معظم رهبری در مورد اعضا، تشکیل دهنده مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۲. منظور از عبارت «شخصیت‌های حقوقی» که در حکم مورخ ۱۳۷۵/۱۲/۲۷ مقام معظم رهبری آمده است: (مساجد) افرادی است که به اعتبار سنت قانونی خود، عضو مجمع می‌گردند. در غیر این صورت به کارگیری عنوان شخصیت حقوقی برای افراد حقیقی صحیح نمی‌باشد.

می شود، دارای کمیسیون‌های دائمی و کمیسیون‌های خاص^۱ و دبیرخانه است.^۲ دبیر مجمع به پیشنهاد رئیس مجمع و موافقت مقام معظم رهبری توسط رئیس مجمع منصوب می شود و ریاست دبیرخانه را به عهده دارد.^۳ جلسات عادی مجمع حداقل هر دو هفته یک بار تشکیل می گردد^۴ و در مورد شیوه اتخاذ تصمیم و رأی‌گیری این آیین‌نامه بیان می دارد:

«جلسات شورای مجمع به هنگام بحث در مصوبات مورد تعارض مجلس و شورای نگهبان^۵، متشکل خواهد بود از همه اعضاء، رسمیت می یابند و تصمیمات (آن) با اکثریت مطلق عده حاضر معتبر خواهد بود و در موارد مربوط به بررسی و حل معضلات نظام^۶ و تعیین سیاست‌های کلی نظام^۷ و دیگر اموری که رهبری به مجمع ارجاع می دهند^۸ شورای مجمع متشکل خواهد شد از اعضای حقیقی، به اضافه ردیف (الف) و (ج) و (د) از بند ۱،^۹ این جلسات حداقل با حضور دو سوم اعضاء رسمیت می یابند و تصمیمات در موارد مربوط به معضلات و مسائل دیگر با اکثریت مطلق اعضای حاضر معتبر خواهد بود^{۱۰}».

۳. ماهیت و اعتبار مصوبات

در ارتباط با اعتبار مصوبات باید گفت که معمولاً برای اعتبار آنها مدتی پیش بینی شده است و آن دسته از مصوبات مجمع که در اجرای اصل یکصد و دوازدهم و برای حل اختلاف مجلس و شورای نگهبان است، در مجموعه یک قانون عادی ظاهر می شوند، به ترتیبی که در طبقه‌بندی قوانین نمی توان ردیف خاصی که بالاتر از قانون عادی باشد، برای آنها در نظر گرفت؛ بنابراین، اولاً: اگر مدتی پس از اجرای مصوبه مجمع، تحول جامعه نیاز دیگری را اقتضا کند، مجلس می تواند به وضع قانون جدید یا تغییر و اصلاح قانون قبلی بپردازد، طبعاً

۱. مواد ۴ تا ۱۸ فصل دوم از آیین‌نامه داخلی مجمع به موضوعات کمیسیون‌های دائمی و خاص پرداخته است. در این مورد ماده ۴ آیین‌نامه بیان می دارد: «به منظور فراهم آوردن اطلاعات دقیق مربوط به مباحث و مسائلی که در مجمع مطرح می شوند و آماده‌سازی آنها برای تصمیم‌گیری مسئولان دولتی و استفاده از تحقیقات کاربردی، توسعه‌ای و بنیادی مؤسسات پژوهشی کشور. کمیسیون‌های تخصصی دائمی و نیز کمیسیون‌های خاص مرکب از اعضاء تشکیل می شوند».

۲. ماده ۲ آیین‌نامه داخلی مجمع.

۳. ماده ۲۱ آیین‌نامه داخلی مجمع.

۴. موضوع قسمت اول اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی.

۵. موضوع بند ۱ اصل یکصد و دهم.

۶. موضوع قسمت دوم اصل یکصد و دوازدهم.

۷. بند «الف» شامل روسای سه قوه، بند «ج» شامل وزیر مربوط و بند «د» شامل رئیس کمیسیون مربوطه از مجلس شورای اسلامی می باشد.

۸. مواد ۱۹ و ۲۰ آیین‌نامه داخلی.

در این صورت، قانون جدید ناسخ قانون قبلی خواهد بود.
ثانیاً: در صورت بروز مغایرت ضمنی بین مصوبات مجلس، ملاک تاریخ تصویب دو مصوبه خواهد بود، بدین معنا که قانون لاحق (مصوب مجلس یا مجمع) قانون سابق (مصوب مجلس یا مجمع) را در موارد مغایر نسخ می‌کند.^۱

هم‌چنین در مورد ماهیت حقوقی مصوبات مجمع با توجه به مفاد اصل ۱۱۲ این‌گونه باید استدلال کرد که اصل ۱۱۲ وظیفه مجمع را فراتر از داوری و حکمیت تعریف کرده؛ زیرا تشخیص مصلحت نمی‌تواند محدود و مفید باشد و ممکن است فراتر از موارد اختلافی باشد تا بتواند به طور قاطع اختلاف باشد تا بتواند به طور قاطع اختلاف را حل کند چنانچه تصمیم مجمع را محدود به داوری در محدوده‌ی اختلاف بدانیم آنگاه تشخیص مصلحت معنای پیدا نخواهد کرد و دور تسلسل باطلی را موجب می‌شود و از طرفی چون مصوبات تابع طرح موضوع در مجلس شورای اسلامی و الزاماً وجود اختلاف در مرحله تصمیم‌گیری درون مجلس است و طبعاً این مصوبه که منجر به رفع اختلاف می‌شود موقتی بوده و تا زمان معینی که مصلحت باقی است اعتبار دارد، لذا مصوبه مجمع را نمی‌توان به منزله جایگزینی مجلس در امر قانون‌گذاری تلقی نمود، لذا اشکال مطرح شده توسط برخی اندیشمندان مبنی بر عدم و جاهت دخالت مجمع در امر قانون‌گذاری موضوعیت نخواهد داشت.

البته قابل ذکر است با توجه به بحث‌هایی که در مورد اعتبار مصوبات مجمع مطرح بود و اختلاف نظر بین اندیشمندان و حقوق‌دانان، مجمع تشخیص مصلحت نظام با توجه به مفاد اصل ۹۸ قانون اساسی، مبنی بر صلاحیت شورای نگهبان در تفسیر در قانون اساسی از شورای نگهبان درخواست تفسیر اصل یکصد و دوازدهم را نمود^۲ که در این مورد شورای نگهبان در نظر تفسیری ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ خود چنین بیان می‌دارد:

«هیچ‌یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد، اما در صورتی که مصوبه مجمع تشخیص مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی باشد مجلس پس از گذشت زمان معتدبه که تغییر مصلحت موجه باشد حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد، در

۱. سیدمحمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (حاکمیت و نهادهای سیاسی)، ج ۲، ص ۶۵۵ و ۶۵۶.

۲. جهت اطلاع بیشتر از مفاد سؤالات مجمع و نظریات تفسیری ۴۵۷۵ مورخ ۷۲/۳/۳ و ۴۸۷۲ و ۷۲/۴/۲۰ و ۵۳۱۸

۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان را که مجموعه نظریات تفسیری شورای نگهبان، ص ۳۳۲ - ۳۳۶.

صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم له موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد.^۱

به هر حال، چون بر اساس اصل نود و هشتم قانون اساسی، صلاحیت تفسیر قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان می‌باشد، با توجه به نظر اخیر شورای نگهبان در مورد اعتبار مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، ظاهراً مصوبات مجمع دارای نوعی برتری نسبت به مصوبات مجلس می‌باشد و اختیار مجلس شورای اسلامی جهت وضع قانون برای عموم مسائل کشور؛^۲ تخصیص خورده است.

۴. امکان تجدید نظر یا تفسیر مصوبات

بعد از مشخص شدن محدوده اعتبارات مصوبات مجمع، سؤالات دیگری به ذهن متبادر می‌شود مبتنی بر آنکه آیا مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از تصویب و ابلاغ مصوبات خود می‌تواند آنها را مورد تجدید نظر قرار دهد یا نه؟ و یا آنکه در صورت بروز اختلاف برداشت از مصوبات یا ابهام در مفهوم مصوبات، تفسیر آن مصوبات مشابه قانون عادی فرض شده است با چه مرجعی است؟ آیا این اختیار انحصاراً بر عهده مجمع است یا مجلس شورای اسلامی و یا آنکه هر دو این صلاحیت و اختیار را دارا هستند؟

در پاسخ به این سؤال با توجه به آنکه منشأ اصلی مشروعیت قانونی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام اصل یکصد و دوازدهم می‌باشد، لذا شورای نگهبان بر اساس وظیفه قانونی خود جهت تفسیر اصول قانون اساسی طی نظریه تفسیر شماره ۴۵۷۵ مورخ ۱۳۷۱/۳/۳ بیان می‌دارد که: «مجمع تشخیص مصلحت نظام نمی‌تواند مستقلاً در مواد قانونی مصوبه خود تجدید نظر کند».

۲. تفسیر مواد قانونی مصوب مجمع در محدوده تعیین مراد با مجمع است، اما اگر مجمع در مقام توسعه و تزیین مصوبه خود باشد، مستقلاً نمی‌تواند اقدام کند».^۳

وظایف و اختیارات مجمع

۱. حل اختلاف مجلس و شورای نگهبان

به موجب اصل ۱۱۲ قانون اساسی «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت

۲. اصل ۷۱ قانون اساسی.

۱. تشخیص مصلحت، همان، ص ۵۳.

۳. مجموعه نظریات تفسیری شورای نگهبان، ص ۲۳۲ و ۲۳۳.

در موردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند، تشکیل می‌شود و پس از مشورت‌های لازم، اتخاذ تصمیم می‌نماید.^۱ در یک دیدگاه می‌توان اصلی‌ترین وظیفه مجمع را حل و رفع این تعارض دانست؛ زیرا از یک طرف مجلس شورای اسلامی به عنوان نمایندگان منتخب مردم با وضع قوانین مختلف خیر و صلاح جامعه را بیان می‌دارد که باید مبتنی بر رعایت موازین اسلامی و قانون اساسی باشد و در این مورد اصل نود و یکم قانون اساسی، شورای نگهبان را به عنوان مرجع ناظر بر مصوبات مجلس و پاسدار قانون اساسی تعریف کرده است تا مبدا مصوبات مجلس منافی احکام اسلام و قانون اساسی باشد. بنابراین، در نگاهی کلی وظیفه مجلس بیان خیر و صلاح جامعه و وظیفه شورای نگهبان پاسداری از اصول قانون اساسی و موازین اسلامی است؛ در نهایت و در رویارویی «مصلحت اجتماعی» به نظر مجلس با «موازین شرعی و قانون اساسی» به نظر شورای نگهبان، این «مصلحت نظام» است که در صورت ضرورت باید به عنوان مصلحت اهم، شناسایی و اجرا شود. البته این امر، نیاز به یک مرجع قانونی دارد که آن «مجمع تشخیص مصلحت نظام» است؛ لذا مرجع مذکور پس از بررسی موضوع مورد نزاع «با در نظر گرفتن ضرورت و مصلحت نظام» مصوبه مجلس یا نظر شورای نگهبان را به عنوان مصلحت نهایی مورد تأیید قرار می‌دهد یا نظر مستقلی را مرتبط با موضوع تدوین و به عنوان مصلحت نظام اعلام می‌دارد.

بنابراین، می‌توان گفت چنانچه عمل حقوقی مجمع تشخیص مصلحت در تأیید نظر

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. از مهم‌ترین مصوبات مجمع در این خصوص می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: الف) ۶۷/۱/۱۶، قانون اراضی شهری، ب) ۶۷/۳/۳، وظایف و اختیارات وزیر دادگستری، ج) ۶۹/۸/۲۹، قانون کار؛ د) ۶۹/۱۱/۹، نحوه رسیدگی به مسائل قضایی نمایندگان مجلس؛ ه) ۷۰/۷/۱۱، نحوه اجرای اصل ۱۸۵ قانون اساسی (نظارت بر صدا و سیما)؛ و) ۷۰/۹/۷، قانون مجازات اسلامی؛ ز) ۷۱/۸/۲۸، قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق؛ ح) ۷۲/۱۱/۸، اصلاح قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت؛ ت) ۷۳/۷/۷، قانون اصلاح قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع؛ ی) ۷۳/۹/۳، تمدید قانون ممنوعیت نخلیه خوابگاه‌های دانشجویی؛ ک) ۷۴/۶/۲، اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی؛ ل) ۷۶/۵/۱۸، عضویت ایران در کنوانسیون قرارداد حمل و نقل بین‌المللی کالا؛ م) ۷۸/۸/۲۲، رسیدگی دقیق به شکایت داوطلبین رد شده در انتخابات؛ آ) ۷۸/۹/۲۰، موافقتنامه معاضدت قضایی بین ایران و روسیه؛ ق) ۷۸/۹/۲۰، موافقتنامه معاضدت قضایی بین ایران و آذربایجان؛ ح) ۷۹/۱۱/۲۳، قانون بودجه سال ۱۳۸۰ کل کشور؛ ن) ۸۰/۷/۱۴، اصلاح قانون بازنشستگی پیش از موعد کارگران؛ س) ۸۰/۸/۱۴، لایحه اساسنامه بانک تجارت و توسعه اکو؛ ط) ۸۰/۱۲/۲۵، قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور.

شورای نگهبان باشد، اجرای موازین اسلام یا قانون اساسی در آن خصوص، عین مصلحت نظام خواهد بود و اگر نظر مجمع، به هر دلیل، عدم تأیید و یا رد نظر شورا باشد، در آن صورت بر اساس یکی از دلایل ذیل اتخاذ تصمیم می‌نماید.

الف) با اتکا به عناوین و احکام ثانویه نظیر ضرورت،^۱ لاضرر،^۲ عسر و حرج،^۳ تعارض اهم و مهم و نظایر آن، احکام لازم الاجرای اولیه به طور موقت متوقف و یا به طور دایم مرتفع می‌شود.^۴

ب) با تشخیص مصالح عمومی، برای حفظ اصل نظام، بقای کشور، سلامت جامعه، تنظیم امور و نظایر آن، احکام حکومتی بر سایر احکام فردی و اجتماعی بر مبنای مصلحت اهم مقرر و لازم الاجرا می‌گردد.^۵

سؤال بعدی که مطرح است در مورد چگونگی و کیفیت ارجاع مصوبات مورد اختلاف مجلس و شورای نگهبان به مجمع که چگونه باید مشخص گردد که مجلس بر نظر و ایده خود تحت عنوان مصلحت نظام در مصوبات خود مصر است؟ و اینکه آیا تصمیم گیرنده جهت ارسال مصوبه مجمع با رییس مجلس است یا کمیسیون‌های تخصصی یا آنکه بر عهده رأی‌گیری در صحن علنی مجلس باشد؟

در پاسخ به این سؤال، شورای نگهبان طی تذکر شماره ۷۵/۲۱/۱۵۳۶ مورخ ۱۳۷۵/۷/۱۴ در مورد چگونگی اجرای اصل یکصد و دوازدهم تأکید می‌کند که ارجاع موضوع از ناحیه ریاست مجلس و به تشخیص اعضای کمیسیون حتی با اطلاع مجلس کافی به تأمین قیود و شرایط اصل مزبور نمی‌باشد و لازم است مصوبه پس از یأس از دستیابی به راه حل مناسب در جهت تأمین نظر این شورا و رأی مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شود.^۶

۲. همکاری با رهبری در حل معضلات نظام

بند ۸ اصل ۱۱۰ یکی از وظایف و اختیارات رهبری را «حل معضلات نظام که از طریق

۱. الف) الضرورات تبيح المحظورات. ب) و ما من شيء الا في اهلته لمضطرج. در حقوق فرانسه آن را Etal de necessite می‌نامند. ۲. لاضرر و لاضرار في الاسلام. ۳. لا عسر و لا حرج في الدين.

۴. در صورت مشروع مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی صحنه ۱۵۵۶ آمده است که: البته برداشته شدن احکام اولیه به وسیله احکام ثانویه به عنوان تبدیل موضوع است، نه تغییر حکم یا بقای موضوع.

۵. سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، ص ۶۵۳-۶۵۲.

۶. مجموعه نظریات شورای نگهبان، عمان، ص ۴۱۹.

عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام» مقرر داشته است. به هنگام طرح این مطلب در شورای بازنگری قانون اساسی، دلیل و توجیه عمده‌ای که ارائه شد این بود که ممکن است معضلات و مشکلاتی پیش آید که راه حل قانونی برای آن وجود نداشته باشد یا از راه قانونی نتوان آن را حل کرد.^۱ به هر حال برای خروج از بن‌بست، مقام و مسئولی لازم است که بتواند به سرعت گره‌گشایی کند.^۲ بدین ترتیب بود که مجمع تشخیص مصلحت، علاوه بر حل اختلاف مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، مسئول حل معضلات نظام، ارجاع شده از سوی رهبری، گردید.^۳

در این مورد موضوعات متعددی با ارجاع مقام رهبری، به تصویب مجمع رسیده است.^۴ البته موضوع جایگاه مجمع، مورد اتفاق نظر اعضای شورای بازنگری قانون اساسی بوده است که مجمع در عرض قوای دیگر نیست و قانون‌گذاری نمی‌کند؛^۵ اما با تأملی اندک در قوانین مصوب مجمع چنین به نظر می‌رسد که در صورت تصویب این قوانین در مجلس، به دلیل مخالفت آنها با شرع یا قانون اساسی، حتماً مورد مخالفت شورای نگهبان قرار می‌گرفت؛ لذا، با عنوان کردن «حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست» با درخواست از مقام رهبری و در اجرای بند ۸ اصل یکصد و دهم و ارجاع آن به مجمع، به حل سریع معضل نظام دست یافته‌اند. شیوه مذکور، به منظور حل معضلات نظام است؛ اما این مسئله نگرانی‌هایی را در برخی ایجاد کرده است که گرچه به لحاظ قانون، مجمع مشاور رهبری است، اما رهبر انقلاب تعیین سیاست‌های کلی نظام و حل معضلات را به مجمع

۱. صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ج ۲، ص ۸۵۳.
 ۲. همان، ص ۸۳۹.
 ۳. سید محمد هاشمی، همان، ص ۶۵۶، ۶۵۷.

۴. اهم موضوعاتی که در اجرای اصل ۱۱۰ (۸) تحت عنوان ماهیت قانون به تصویب مجمع رسیده چنین است:
 ۱) قانون نحوه وصول مطالبات بانکها، مصوب ۱۳۶۸/۱۰/۵ (۲) تعزیرات حکومتی بخش دولتی، مصوب ۱۳۶۹/۹/۲۷ (۳) حق کسب، پیشه یا تجارت، مصوب ۱۳۶۹/۱۰/۲۵ (۴) قانون تخلفات، جرایم و مجازات‌های اسد سطلی، مصوب ۱۳۷۰/۵/۱۰ (۵) قانون تشکیل محکمه انتظامی قضات، مصوب ۱۳۷۰/۸/۲۳ (۶) حل معضل ماده ۱۲ قانون زمین شهری، مصوب ۱۳۷۰/۱۱/۳۰ (۷) قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت به نهادها، مصوب ۱۳۷۰/۱۲/۱۵ (۸) قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایدین زرتشتی کهنی و مسیحی، مصوب ۱۳۷۲/۴/۳ (۹) قانون تعیین حدود صلاحیت دادرها و دادگ‌های نظامی کشور، مصوب ۱۳۷۳/۵/۶ (۱۰) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به فاجای کالا و ارز، مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲ (۱۱) اصلاح قانون واگذاری زمین، مصوب ۱۳۷۴/۹/۲ (۱۲) ۷۶/۴/۲۱، بنیاده لایحه توسط بانک مرکزی در مورد وصول مطالبات بانک‌ها، (۱۳) اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، (۱۴) ۸۰/۵/۱۵، پیشنهاد برای انتخاب حقوق‌دان شورای نگهبان، (۱۵) ۸۰/۷/۲۶، اصلاح ماده ۲۹ قانون مبارزه با مواد مخدر. (۱۶) صورت مشروح مذاکرات، (یاد شده)، ص ۸۴۲، ۸۵۴، ۸۵۶، ۸۵۷ و.....

تفریض نموده‌اند و مجمع در این خصوص از وظایف خود گسترده‌تر عمل نمود. مجمع تشخیص مصلحت، با تمسک مکرر دستگاه‌های اجرایی، به تدریج به صورت یک نهاد قانون‌گذاری درآید و عرصه را بر مجلس شورای اسلامی - متشکل از نمایندگان و منتخب مستقیم ملت - تنگ کند و اعتبار سیاسی آن را کاهش دهد و این امری است که نمی‌توان آن را موافق مصلحت نظام دانست.^۱

در پاسخ به اشکال فوق باید متذکر شد که این موضوع واقعیت ندارد و هیچ یک از وظایف فوق از سوی رهبر انقلاب به مجمع تفویض نگردیده است، چنان که بر اساس فرمان مورخ ۷۵/۱۲/۲۷ مقام معظم رهبری به مجمع تشخیص مصلحت نظام تأکید شده است که: «برابر رهنمود قانون اساسی، این مجمع در تعیین سیاست‌های کلی نظام و نیز حل معضلات عمده کشور و رسیدگی به امور مهمی که رهبری به آن ارجاع می‌کند نقش مشاور کار آمد و مورد اعتماد رهبر را ایفا کند».

مطابق ماده ۲۶ آیین نامه داخلی مجمع که طبق اصل ۱۱۲ قانون اساسی، قانون اداره مجمع تشخیص مصلحت نظام محسوب می‌شود «در خصوص معضلات نظام و سایر اموری که از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارجاع می‌شود و یا تعیین سیاست‌های کلی نظام، نتیجه بحث و بررسی به صورت گزارش کامل به استحضار معظم له می‌رسد و پس از تأیید و بر اساس تدبیر معظم له به مراجع مسئول ذی ربط ابلاغ خواهد شد».

حتی در بحث نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی که رهبر انقلاب برابر ذیل اصل ۱۱۰ قانون اساسی آن را به عهده مجمع گذارنده‌اند وظیفه مجمع در محدوده ساز و کار اجرای نظارت است و خود تصمیم‌گیر نیست، بلکه نتیجه نظارت را به رهبر انقلاب گزارش می‌نماید.

بنابراین بر اساس آنچه که گفته شد مجمع در مورد سیاست‌های کلان و معضلات، برابر قانون عمل می‌کند و مشاوره می‌دهد و خارج از حیطه وظایف خود عمل نمی‌کند و تصمیم‌گیری نهایی به عهده رهبر انقلاب است.

۳. مشاوره رهبری

اصل ۱۱۲ در مورد وظیفه مشورتی مجمع بیان می‌دارد که: «مجمع تشخیص مصلحت

۱. سند محمد هاشمی، عمان، ص ۶۵۹.

نظام... مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد» را بر عهده دارد. بنابراین، مجمع مذکور که اکثر اعضای آن را مقامات و مسئولان عالی مقام تشکیل می‌دهند، به عنوان مشاور، مقام رهبری را یاری می‌نمایند. از جمله موارد مشاوره‌ای که قانون اساسی بدان تصریح کرده، بدین شرح است:

۱. ارائه مشاوره به مقام معظم رهبری جهت تعیین سیاست‌های کلی^۱ نظام جمهوری اسلامی ایران. (بند ۱، اصل ۱۱۰).

۲. مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا تنمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی... پیشنهاد می‌نماید.^۲

در واقع مجمع با دربرداشتن نخبگان و مسئولان عالی رتبه و آگاه مملکتی به عنوان بازوی مشورتی رهبر^۳ در تصمیم‌گیری‌های مهم و کلان جامعه عمل می‌کند.

۴. سایر وظایف مجمع

۱. «در صورت فوت یا کناره‌گیری یا عزل رهبر... شورایی مرکب از رئیس جمهور، رئیس قوه قضاییه و یکی از ققهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام همه وظایف رهبری را بر عهده می‌گیرد».^۴

۱. تعیین سیاست‌های کلی یا سیاست‌گذاری در امر کشور عبارت است از: تعیین، تدوین و ارائه ضوابط و موازینی که در آن مقتضیات کلی دولت اعمال و مصالح جمعی ملت تأمین می‌شود و به قوای اجرایی و تقنینی در ادوار مختلف کمک می‌کند تا... برنامه‌های دولت‌ها و مجالس مختلف جهت‌گیری‌ها به سمت اهداف مشترک که همان قانون اساسی است حفظ شود و از بی‌رویی و بی‌نظمی و تراحم برنامه‌ها جلوگیری شود. بدیهی است که چنین راهبردی باید در اختیار بالاترین مقام کشور باشد و به همین دلیل اصل ۱۱۰ قانون اساسی ایران با تعیین سیاست‌های کلی نظام را بر عهده رهبر انقلاب گذاشته که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ گردد.
۲. اصل ۱۷۷ قانون اساسی.

۳. این مصوبات تا پایان سال ۱۳۸۰ برای تصمیم به مقام معظم رهبری تقدیم شده است:

- ۱- ۷۷/۴/۲۰، سیاست‌های کلی شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای. ۲- ۷۷/۷/۱۱، سیاست‌های کلی سایر منابع انرژی.
- ۳- ۷۷/۷/۱۱، سیاست‌های کلی نفت و گاز. ۴- ۷۷/۹/۲۱، سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی. ۵- ۷۸/۴/۱۱، سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه. ۶- ۷۸/۲/۲۵، سیاست‌های کلی منابع طبیعی. ۷- ۷۸/۵/۹، سیاست‌های کلی منابع آب. ۸- ۷۸/۷/۱۷، سیاست‌های کلی بخش معدن. ۹- ۷۸/۱۱/۲، سیاست‌های کلی در بخش اقوام و مذاهب.
- ۱۰- ۷۹/۲/۳، سیاست‌های کلی بخش حمل و نقل. ۱۱- ۷۹/۸/۱۴، سیاست‌های کلی در بخش امنیت قضایی. ۱۲- ۷۹/۱۱/۸، سیاست‌های کلی در بخش مشارکت اجتماعی. ۱۳- ۸۰/۱۰/۸، سیاست‌های کلی در بخش امنیت ملی.
- ۱۴- ۸۰/۱۱/۶، سیاست‌های کلی مشارکت بخش‌های تعاونی و خصوصی در اقتصاد و حدود فعالیت بخش دولتی. ۴. اصل ۱۱۱.

۲. بر اساس نص صریح قانون اساسی، اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام، در شورای بازنگری قانون اساسی عضویت دارند.^۱

۳. هنگام عزل، فوت، کناره‌گیری رهبر، تجویز اعمال بندهای ۱، ۳، ۵ و ۱۰ و قسمت‌های (د، ه، و) از بند ۶ اصل ۱۱۰ قانون اساسی^۲ به شورای موقت رهبری^۳ توسط مجمع صورت می‌گیرد.

در نهایت در مورد حیطه، عملکرد و اختیار مجمع تشخیص مصلحت نظام باید متذکر شد که هر چند وجود یا امکان امور اختلافی بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، موجد فلسفه وجودی مجمع تشخیص مصلحت نظام در ذیل و در زمره نقش و وظایف رهبری بود، و قبل از تجدید نظر در قانون اساسی، عملاً به وجود آمده بود و زیر نظر مقام رهبری انجام وظیفه می‌کرد، لیکن عملاً در بازنگری قانون اساسی موقعیت بسیار بیش از پیش یافت و علاوه بر امور اختلافی، در امور ابتدایی و تأسیسی نیز حق ورود پیدا کرد و به مثابه بازویی بسیار قوی برای رهبری در امور مملکت قرار گرفت.

در نهایت، این گفتار را با تأمل در قسمتی از بیانات مقام معظم رهبری در مورد عملکرد مجمع تشخیص مصلحت نظام به پایان می‌بریم.

«... قانون اساسی ما اولاً پایه‌گذار نظام بدیعی است که از هیچ نظام دیگری الگو نگرفته است و به یک فلسفه و بینش عمیق در زمینه مسائل انسانی و معنوی متکی است... در این قانون، حقوق اساسی مردم، تعریف و مشخص و تضمین شده است؛ عدالت اجتماعی برای همه آحاد مردم و برای همیشه زمان‌ها دیده شده است؛ ضدیت با استبداد و خودکامی؛ فساد ستیزی؛ پاسخ‌گویی به مردم، توجه به اخلاق و معنویت و خلاصه، خدا و مردم در این قانون اساسی دیده شده است.

آنچه این مجمع و اصل مربوط به آن را در قانون اساسی تضمین می‌کند، عبارات از پویایی و بن‌بست‌شکنی و گره‌گشایی از یک سو، و ثبات سیاست‌های نظام از سوی دیگر

۱. اصل ۱۷۷.

۲. اصل ۱۱۰ در مقام بیان وظایف و اختیارات رهبر برآمده است و بندهای ذیل بیانگر موارد مربوط فوق است:

۱. تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام ۳. فرمان همه‌پرسی ۵. اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها. ۱۰. عزل رئیس‌جمهور بعد از حکم دیوان عالی کشور و یاری عدم کفایت مجلس به او.

بند ۶ بیانگر نصب و عزل و قبول استعفا مسئولین ذیل است: در ریس ستاد مشترک. ه. فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. د. فرماندهی عالی نیروهای نظامی و انتظامی. ۳. اصل ۱۱۱.

است... یعنی در واقع وسیله پویایی و تحرک دائمی و گیر نکردن نظام در بن‌بست‌ها و چاله‌هایی است که به‌طور طبیعی سر راه هر نظامی پیش می‌آید... (البته) بنده خودم شخصاً ترجیح می‌دهم تا آنجایی که ممکن است، چیزی به نام «معضل» وارد مجمع نشود؛ به این معنا که خود دستگاه‌ها بتواند با همان ظرفیت‌های قانونی خود، مشکلاتی را که برایشان پیش می‌آید، حل کنند؛ یا گاهی با تفاهم بین قوا این مسئله حل شود تا به شکل معضل در نیاید؛ لیکن وقتی حالت معضل پیدا کرد، یعنی واقعاً پیچیده شد و معلوم گردید که ظرفیت‌های قانونی برای حل این مسئله و این مشکل جواب نمی‌دهد، آنگاه به مجمع می‌آید و مجمع با روشن‌بینی و رعایت نهایت دقت و صلاح کشور، باید این معضل را حل کند. البته حل معضل، جزء مسئولیت‌های رهبری است. آنچه مجمع در اینجا انجام می‌دهد، این است که راه کار حل معضل را مشخص و در این زمینه به رهبری کمک می‌کند. اگر این جهت رعایت شود و معضلات هر چه کمتر به مجمع ارجاع شود، بهتر است... تذکر بعدی در خصوص پرهیز از جناح‌بندی‌ها است... اینجا مسئله، مسئله مصلحت کشور است؛ سیاست‌ها این‌طور است، مبنای سیاست‌ها هم معلوم است. مبنای سیاست‌ها، قانون اساسی و مجاری دین و همان چیزهایی است که از قانون اساسی استفاده می‌شود. باید در همین مجاری حرکت کرد؛ هم سیاست‌ها را با این پایه‌گذاری و با این مبنای پیش برد، هم مسئله حل معضلات و هم مصلحت‌اندیشی در اختلافات بین مجلس و شورای نگهبان را نگذاریم. گرایش‌ها و سلیقه‌ها و جناح‌بندی‌های جاری... در کار به این مهمی کمترین دخالتی داشته باشد»^۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رئیس‌جمهور

نتیجه

مجمع تشخیص مصلحت نظام به واسطه وجود پاره‌ای مشکلات در مسیر توسعه و تحول نظام جمهوری اسلامی ایران طی فرمان امام خمینی علیه السلام تشکیل گردید که در بازنگری قانون اساسی با درج جایگاه مجمع در اصل ۱۱۲؛ دارای محمل مستند قانونی گردید و به عنوان رافع اختلاف مجلس و شورای نگهبان در امر قانون‌گذاری برای کشور می‌باشد و در عین حال وظایف خطیر دیگری از جمله حل معضلات نظام و مشاوره در تعیین سیاست‌های کلی نظام و دارای نقش مهمی در جایگاه حقوقی کشور می‌باشد. البته نکته قابل تأمل آن است که

۱. سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، مورخ ۱۳۸۱/۱/۱۷ (جهت مطالعه بیشتر ر.ک: تشخیص مصلحت، همان، ص ۸۰-۸۹).

مجمع به عنوان قوه‌ای در عرض قوای دیگر نیست و مستقلاً حق تغییر مصوبات خود را ندارند و از طرفی مصوبات آن از لحاظ نظارت احکام نسخ و تخصیص، در حکم قانون عادی می‌باشد که با سپری شدن زمان معتدبه یا رفع ضرورت و مصلحت، قابل نسخ و تخصیص می‌باشد. در پایان ذکر این نکته ضروری است که اصولاً در نظر گرفتن مصلحت در امر کشورداری منحصر به جمهوری اسلامی نیست، بلکه موضوعی است که در مفهوم حاکمیت دولت‌ها نهفته بوده و در نظامهای حقوقی جهان مجری است به نحوی که حکومت‌ها همواره بنا بر مصالح عمومی و نظام خود تصمیم می‌گیرند و حتی اقداماتی در تعارض با حقوق خصوصی هم انجام می‌دهند و برای خروج از بن‌بست‌ها و حل مشکلات غیر مترقبه جامعه، اختیاراتی را در قانون اساسی به رئیس کشور واگذار می‌نمایند و این امری پذیرفته است گرچه ماهیت مصلحت‌اندیشی در جمهوری اسلامی به دلیل حاکمیت اسلام با سایر کشورها متفاوت خواهد بود.

